

جامعہ شناسی اقتصادی

ماکس وبر و جامعہ شناسی اقتصادی

ریچارد سوئڈبرگ

ترجمہ شہین احمدی

سرشناسه: اسودیرگ، ریچارد، ۱۹۴۸ - م. / Swedberg, Richard / عنوان و نام بدیدآور: ماکس وبر و جامعه‌شناسی اقتصادی / ریچارد سوئندبرگ: ترجمه شهین احمدی. / مشخصات نشر: تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶. / مشخصات ظاهری: ۴۱۶ص. / شابک: ۹-۷۱-۸۵۹۱-۶۰۰-۹۷۸ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا / یادداشت: عنوان اصلی: Max Weber and the idea of economic sociology, c1998 / یادداشت: بالای عنوان: جامعه‌شناسی اقتصادی. / عنوان دیگر: جامعه‌شناسی اقتصادی. / موضوع: وبر، ماکس، ۱۸۶۴ - ۱۹۲۰م. / موضوع: Weber, Max / موضوع: اقتصاد -- جنبه‌های جامعه‌شناختی / موضوع: -- Economics Sociological aspects / شناسه افزوده: احمدی، شهین، ۱۳۳۱ - مترجم / رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶م۵الف / ۱۱۱۳۵ / رده بندی دیویی: ۳۰۶/۳ / شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۳۷۵۷۰

www.ketabab.ir

ماکس وبر و جامعه‌شناسی اقتصادی / ناشر: انتشارات دنیای اقتصاد / مولف: ریچارد سوتدیرگ / مترجم: شهین احمدی / طراح جلد و یونیفورم: حسن کریم‌زاده / صفحه‌آرا: مریم فتاحی / مدیر تولید: انوشه صادقی آزاد / توبت چاپ: اول-۱۳۹۷ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه / سایز: ۹-۷۱-۸۵۹۱-۶۰۰-۹۷۸ / جاب: پردیس / تمام حقوق این اثر محفوظ و متعلق به نشر دنیای اقتصاد است / نشانی فروشگاه: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، ضلع شمال غربی میدان شعاع، پلاک ۱۰۸، طبقه سوم شمالی / تلفن: ۸۷۷۶۲۷۴۷ / نشانی انتشارات: تهران، خیابان شهید مطهری، بین برزای و میرازی و سنایی، شماره ۳۷۰ / پست الکترونیک: book@den.ir / پایگاه اینترنتی: book.den.ir

www.ketab.ir

در این کتاب می‌خوانید

پیش‌گفتار	۹
یادداشت‌ها	۱۶

فصل اول

پیدایش سرمایه‌داری غربی	۱۹
۱- تاریخ اقتصادی عمومی	۲۱
۲- تاریخ اقتصادی عمومی: بخش اول: گروه‌های اجتماعی و کشاورزی ماقبل سرمایه‌داری	۲۲
۳- تاریخ اقتصادی عمومی: بخش دوم: صنعت ماقبل سرمایه‌داری	۲۸
۴- تاریخ اقتصادی عمومی: بخش سوم: تجارت ماقبل سرمایه‌داری	۳۱
۵- تاریخ اقتصادی عمومی: بخش چهارم: منشأ سرمایه‌داری مدرن	۳۴
یادداشت‌ها	۴۰

فصل دوم

مفاهیم اصلی در جامعه‌شناسی اقتصادی وبر	۴۷
در باب رابطه نظریه اقتصادی با جامعه‌شناسی عمومی	۴۸
۲- در باب رابطه بین جامعه‌شناسی اقتصادی و نظریه اقتصادی	۵۵
۳- مضمون اصلی #۱: انواع مختلف کنش اقتصادی	۵۸
۴- مضمون اصلی #۲: نقش عقلانیت در زندگی اقتصادی	۶۶
۵- مضمون اصلی #۳: ساختار اجتماعی برخی نهادهای اقتصادی ...	۷۰
۶- مضمون کلی #۴: ساختارهای کلان، از جمله انواع مختلف سرمایه‌داری	۷۹
یادداشت‌ها	۹۱

فصل سوم

اقتصاد و سیاست	۱۱۳
۱- ماهیت خاص مسائل سیاسی و نظر وبر درباره رابطه بین اقتصاد و سیاست	۱۱۵

۲- سلطه سیاسی و جامعه‌شناسی مالی	۱۱۸
۳- اقتصاد و سیاست در شهر	۱۳۶
۴- اقتصاد و سیاست در دولت مدرن: مضامینی از کارهای ناتمام وبر درباره جامعه‌شناسی دولت	۱۴۱
سیاست اقتصادی دولت	۱۴۳
سیاست پولی دولت	۱۴۵
رابطه بین دموکراسی، دولت و سرمایه‌داری	۱۴۷
۵- اقتصاد و سیاست در سوسیالیسم	۱۴۹
یادداشت‌ها	۱۵۴

فصل چهارم

اقتصاد و قانون	۱۶۷
۱- رابطه قانون با اقتصاد	۱۷۰
۲- قانون و اقتصاد در نظام‌های عمده حقوقی در طول تاریخ	۱۷۷
۳- رابطه بین قانون و سرمایه‌داری مدرن (از جمله مشکل انگلستان)	۱۸۰
یادداشت‌ها	۱۸۴

فصل پنجم

اقتصاد و مذهب	۲۱۷
۱- در آستانه بر خلیل وبر از رابطه بین اقتصاد و مذهب: مضمون‌ها و مفاهیم اصلی در اقتصاد و مذهب	۲۱۸
۲- مطالعات تاریخی درباره اقتصاد و مذهب (بخش ۱): اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری	۲۲۳
۳- مطالعات تاریخی درباره اقتصاد و دین (بخش ۲): اخلاق اقتصادی ادیان جهان	۲۵۱
یادداشت‌ها	۲۷۰

فصل ششم

پی نوشت: دیدگاه وبر درباره جامعه‌شناسی اقتصادی	۲۸۹
۱- رابطه اقتصاد با هنر، علم، تکنولوژی، رادیکالیزم و ارتباط جغرافیایی	۲۹۰
۲- نظر وبر درباره اقتصاد و گروندریس	۳۰۰
۳- نگرش وبر و جامعه‌شناسی اقتصادی امروز	۳۱۳
یادداشت‌ها	۳۳۱

پیوست

تحول فکری وبر در زمینه اقتصاد	۳۴۳
۱- سنت آلمان در علم اقتصاد	۳۴۴
۲- پیدایش اقتصاد اجتماعی و جامعه‌شناسی اقتصادی در آلمان	۳۴۹
۳- کارهای اولیه وبر در زمینه اقتصاد (۱۸۹۸-۱۸۸۲)	۳۵۴
۴- کارهای وبر در زمینه اقتصاد پس از بهبود (۱۹۰۹-۱۹۰۳)	۳۶۷
۵- کارهای وبر در زمینه اقتصاد در آخرین دهه زندگی (۱۹۲۰-۱۹۱۰)	۳۸۰
۶- کارهای وبر در زمینه اقتصاد از دید اقتصاددانان، مورخان اقتصادی و جامعه‌شناسان	۳۸۸
یادداشت‌ها	۳۹۴

پیش گفتار

در طول قرن بیستم، اقتصاددانان جریان متداول در توضیح رفتار اجتماعی، منحصر بر نقش منافع تمرکز داشته‌اند، در حالی که گرایش جامعه‌شناسان بیشتر تاکید بر نقش ساختار و کنش - واکنش اجتماعی بوده است. برای هر دو استراتژی تحلیلی هم دلایل و جبهه وجود داشت و اقتصاددانان و جامعه‌شناسان، هر دو، آثار بسیار مهمی ارائه کردند. ما، اقتصاددانان و جامعه‌شناسانی هم هستیم که معتقدند پیشرفت در درک برخی ایده‌های اقتصادی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که منافع و ساختار اجتماعی به‌طور توأمان تحلیل شوند. در این کتاب استدلال خواهیم کرد که ماکس وبر چنین تحلیل توأمانی را به حکم زد و در حل برخی مشکلات موفق شد. تلاش او در این زمینه بسیار جالب و شایسته بحث و بررسی، هم از سوی اقتصاددانان و هم از سوی جامعه‌شناسان، است. امری که هنوز اتفاق نیافتاده است. بیشتر اقتصاددانان و جامعه‌شناسان با اخلاق پروتستانی و شماری دیگر از نوشته‌های وبر آشنا هستند، اما با جامعه‌شناسی اقتصادی به‌طور کلی با نوشته‌های اقتصادی‌اش آشنایی چندانی ندارند.

مضمون اصلی این کتاب تلاش وبر برای پیوند دادن و ادغام کردن ایده رفتار متکی بر منافع با ایده رفتار اجتماعی در یک تحلیل واحد است. نوشته‌های آمارتیا سن^۱، به عنوان مثال، به خوبی نشان می‌دهد یک تحلیل اقتصادی که صرفاً بر پایه منافع بنا شده باشد، ناکافی است. آمارتیا سن نوشته اجورث^۲ در کتاب فیزیک ریاضی^۳ (۱۸۸۱) را نقل می‌کند که گفته «نخستین اصل اقتصاد این است که انگیزه و نیروی محرکه هر عاملی منافع شخصی است.» وی فراز دیگری را به گفته

اجورت می‌افزاید: «این برداشت از انسان در مدل‌های اقتصادی استمرار داشته و به نظر می‌رسد ماهیت نظریه اقتصادی تا حد زیادی تحت تاثیر این اصل اساسی بوده است.» [۱] جامعه‌شناسان هم، به همین شکل، از همان ابتدا گرایش داشتند که رفتار مردم را عمدتاً شکل گرفته در بعد اجتماعی آنها ببینند. رالف دارندورف^۱ در یکی از مقاله‌های معروف خود در دهه ۱۹۵۰ نوشت، انسان اجتماعی^۲ موجودی است که رفتارش کاملاً به واسطه نقش‌هایی که بر عهده دارد تعیین می‌شود. «چند سال بعد، پتر برگر^۳ و توماس لاکمن^۴ عبارت «ساخت اجتماعی واقعیت»^۵ را رقم زدند که در عین حال مبین گرایش به تقلیل دادن رفتار انسان به کنش و واکنش، نقش‌ها و ساختار اجتماعی است. [۲] اینکه انسان‌ها منافع دارند و اینکه این منافع نقش مهمی در تعیین رفتار آنها دارد، غالباً از سوی جامعه‌شناسان مورد بی‌توجهی قرار گرفته، یا دست‌کم اینکه به پس‌زمینه رانده شده است.

اما در این امر، در اقتصاد و همین‌طور در جامعه‌شناسی، تلاش‌هایی برای پیوند دادن منافع و رفتار اجتماعی در یک تحلیل واحد صورت گرفته است. در اقتصاد، این تحول در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد که نتیجه آن مجموعه‌ای از کارهای جالب توسط افراد چون گری بکر^۶، آلبرت او. هیرشمن^۷، داگلاس نورث^۸، توماس شلینگ^۹، اولیویر ویلیامسون^{۱۰} و به‌طور کلی یک «اقتصاد نهادی جدید» بود. [۳] در جامعه‌شناسی هم چند سال بعد و با ابتکار افراد برجسته‌ای چون نیل فلیگشتاین^{۱۱}، مارک گرانووتر^{۱۲}، ارتور استینکوم^{۱۳}، هریسون وایت^{۱۴} و ویویانا زلیزر^{۱۵} تحول مشابهی روی داد که گاه تحت عنوان «جامعه‌شناسی اقتصادی جدید» به آن اشاره می‌شد. [۴] در حالی که اقتصاددانان از ایده منافع شروع کرده و می‌کوشند راهی برای به حساب آوردن رفتار اجتماعی پیدا کنند، جامعه‌شناسان نوعاً عکس اقتصاددانان عمل کرده و راه‌های مختلفی برای «درهم آشتی» کنش اقتصادی و منافع در ساختار اجتماعی ارائه کرده‌اند.

این تلاش‌ها، هم از سوی اقتصاددانان و هم از جانب جامعه‌شناسان، به ایده‌های

1- Ralf Dahrendorf

4- Thomas Luckmann

7- Albert O. Hirschman

10- Oliver Williamson

13- Arthur Stinchcombe

2- homo sociologicus

5- social construction of reality

8- Douglass North

11- Neil Fligstein

14- Harrison White

3- Peter Berger

6- Gary Becker

9- Thomas Schelling

12- Mark Granovetter

15- Viviana Zelizer

الهام‌بخشی منجر شده است. به عنوان نمونه، می‌توان از مدل‌های نقطه اوج شلینگ و نظرات مارک گرنووتر در زمینه نقش شبکه‌های اجتماعی در زندگی اقتصادی نام برد. نمونه دیگر، تلاش یک‌تنه جیمز کلمن^۱ است که کوشید سنتزی از نظریه انتخاب عقلایی و جامعه‌شناسی ارائه کند - آنچه به جامعه‌شناسی انتخاب عقلایی معروف شده است. کلمن حرکت در این مسیر را در دهه ۱۹۶۰ آغاز کرد، اما اثر اصلی‌اش در این زمینه، بنیان‌های نظریه اجتماعی^۲ در سال ۱۹۹۰ منتشر شد. بسیاری از ایده‌های کلمن، چنان‌که نشان خواهیم داد، نسبت به بیشتر موضوع‌هایی که در جامعه‌شناسی معاصر زیر عنوان تفهم^۳ قرار می‌گیرد، به آنچه وبر به دنبالش بود بسیار نزدیک‌تر است.

تلاش وبر برای تلفیق رفتار مبتنی بر منافع با رفتار اجتماعی مضمون اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد. در این راستا دو پروژه عمده او را بررسی خواهیم کرد: تکوین یک جامعه‌شناسی اقتصادی متمایز، و یک مفهوم جدید و کلی اقتصاد. «اقتصاد اجتماعی» یا به گفته Sozialökonomik، واژه‌ای بود که از نیمه تا اواخر قرن نوزدهم رواج پیدا کرد و برخی از اقتصاددانان، از جمله وبر، بر آن بودند که این واژه جایگزین مناسبی برای «اقتصاد سیاسی» است که با چرخش قرن، قدیمی و از مد افتاده به نظر می‌رسید. وبر استدلال می‌کرد که اقتصاد اجتماعی باید علم جامعی باشد که چندین شاخه علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسی، تاریخ اقتصادی و جامعه‌شناسی اقتصادی را در بر گیرد. بسته به موضوع مورد بررسی، تحلیلگر می‌تواند از هر یک از این سه شاخه علم که مناسب‌تر ببیند استفاده کند. باید توجه داشت که وبر ارزش زیادی برای نظریه اقتصادی قائل بود و آن را، به در شکل یک تحلیل مستقل و چه به عنوان پشتوانه‌ای برای جامعه‌شناسی اقتصادی، رتبه‌بندی بالا در یک اقتصاد بخش‌بایسته و جدایی‌ناپذیری از درک پدیده‌های اقتصادی می‌دانست. به زعم وبر، تحلیل‌های از نوع تحلیل‌های مبتنی بر منافع، در میان شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی، به بهترین و روشن‌ترین شکل در نظریه اقتصادی قابل بیان است. برای رسیدن به برداشتی روشن از تلقی وبر از اقتصاد (اجتماعی)، نظر او را درباره منافع نیز باید توضیح دهیم. اول، وبر هر سه شاخه اصلی اقتصاد - نظریه

اقتصادی، تاریخ اقتصادی و جامعه‌شناسی اقتصادی - را «علوم فرهنگی» می‌نامید و منظورش از «علوم فرهنگی» این بود که شاخه‌های مختلف این علم به پدیده‌هایی می‌پردازند که دربردارنده معنا هستند. تنها در علوم طبیعی است که تحلیلگر می‌تواند معنا را به حساب نیاورد. به عبارت دیگر، برای اینکه منفعتی منفعت شود، باید از سوی کنشگر بدان معنای خاصی داده شود. دوم، و به همان اندازه مهم، وبر مقوله منافع را به دو دسته تقسیم می‌کند: منافع مادی و منافع آرمانی. هر دوی اینها می‌توانند کنشگر را به کنش وادارند. منافع آرمانی شامل چیزهایی چون موقعیت، ناسبونالیسم، افتخار قومی و آن چیزی است که وبر «منافع مذهبی» می‌نامد - یعنی میل به رستگاری، داشتن جایگاهی بهتر در زندگی بعدی و چیزهایی از این قبیل. در تحلیل‌های اقتصادی منافع مادی نقش مهم‌تری دارند، اما وبر به شدت به این مسئله هم علاقه‌مند بود که وقتی کسانی که منافع آرمانی را دنبال می‌کنند، منافع مادی‌شان را بی‌گند، زمانی که هر دو منافع با هم تلاقی پیدا کنند و هنگامی که منافع آرمانی منافع مادی را تقویت یا مسدود کنند، چه اتفاقی خواهد افتاد. برخی از مهم‌ترین سازه‌ها و متمرکز بر بررسی تاریخی این مسائل است، نظیر اخلاق پروتستانی و اخلاق توتلانی ادیان جهان. و سرانجام اینکه، وبر (برخلاف اقتصاددانان مدرن) در عین حال استدلال می‌کرد که نه تنها منافع بلکه سنت و عواطف می‌توانند بر انگیزنده و نیروی محرکه رفتار یک فرد باشند. حاصل چنین برداشتی از منافع نسخه‌ای بسیار انعطاف‌پذیر از اجتماعی از نظریه منافع و یادآور آثار اندیشمندان بزرگی چون هیوم و توکویل گردانده شد.

بخش عمده این کتاب به جامعه‌شناسی اقتصادی وبر اختصاص دارد: چگونگی تکوین آن و، مهم‌تر از آن، چگونگی تلاش وبر برای مابین آن به یک نوع تحلیل عملی و کارآمد. از نظر وبر، طبیعی بود که در ابتدای فعالیت حرفه‌ای‌اش به تحلیل خود از پدیده‌های اقتصادی یک بعد اجتماعی هم اضافه کند. اما در آن زمان به ارائه یک جامعه‌شناسی متمایز یا بسط نظری چگونگی ادغام تحلیل اجتماعی با تحلیل مبتنی بر منافع توجه چندانی نداشت. به گفته یک مفسر، «در چرخش قرن، از نظر وبر، جامعه‌شناسی رویکردی پرمدها بود که به سختی می‌توانست انتظار جایگاهی علمی را داشته باشد.» [۶] اما چند سال بعد، زمانی که نخستین سال‌های چهارمین دهه زندگی‌اش را می‌گذراند، بر آن شد تا بنیان مفهومی استواری برای

جامعه‌شناسی پایه‌ریزی کرده و پیوند بین تحلیل اجتماعی و تحلیل مبتنی بر منافع را عملی سازد. حاصل این تلاش‌ها ابتدا یک جامعه‌شناسی عمومی و در سال‌های بعد همان چیزی بود که وبر جامعه‌شناسی اقتصادی یا *Wirtschaftssoziologie* نامید.

در ابتدا، وبر این نوع جدید تحلیل جامعه‌شناسانه را تنها در مورد رابطه بین حوزه اقتصادی و دیگر حوزه‌ها در جامعه، نظیر حوزه‌های فلسفه و مذهب اعمال می‌کرد. بخش اعظم آنچه را در این زمینه نوشت می‌توان در بخش دوم *اقتصاد و جامعه*^۱ و دیگر نوشته‌هایش جستجو کرد. اما در چند سال پایانی زندگیش، وبر این چشم‌انداز جدید جامعه‌شناختی را در مورد پدیده‌های اقتصادی به‌طور مستقیم اعمال کرد و بدین وسیله جامعه‌شناسی اقتصادی در معنای دقیق کلمه را بنا نهاد. حاصل این آخرین تلاش‌ها را می‌توان عمدتاً در فصل دوم بخش اول *اقتصاد و جامعه* و «مقوله‌های جامعه‌شناختی کنش اقتصادی» یافت.

ویژگی الهام‌بخش جامعه‌شناسی اقتصادی وبر شیوه‌ای است که برای مفهوم‌سازی از کنش اجتماعی به کار می‌گیرد و می‌کوشد یک بعد اجتماعی را وارد تحلیل رفتار اقتصادی کند. به گفته وبر همه علوم فرهنگی (به عبارت دیگر، نه فقط جامعه‌شناسی) پدیده‌هایی را تسلیس می‌کنند که از طریق معنایی که مردم به آن می‌دهند شکل گرفته‌اند. این شامل نظریه اقتصادی هم می‌شود و تاریخ و روان‌شناسی را هم در بر می‌گیرد. در نتیجه آنچه به جامعه‌شناسی ویژگی خاصی می‌دهد، و آن را علمی از آن خود می‌سازد چیزی است که برای معنا به خودی خود. جامعه‌شناسی به شکلی دقیق‌تر بر شیوه سمت‌گیری کنش افراد با رفتار دیگران تمرکز دارد. «جامعه‌شناسی»، به نقل از تعریف مشهور وبر در *اقتصاد و جامعه*، «علمی است که دغدغه‌اش درک تفسیری کنش اجتماعی و از این طریق رسیدن به توضیح علی‌فرایند و پیامدهای آن است ... کنش هنگامی «اجتماعی» است که معنای ذهنی آن رفتار دیگران را به حساب می‌آورد و بدین وسیله در مسیر خود سمت‌گیری می‌کند.» [۷]

جامعه‌شناسی، در بررسی پدیده‌های اقتصادی، رفتاری را مد نظر دارد که انگیزه و نیروی محرکه آن عمدتاً منافع مادی است، اما در عین حال، با رفتار دیگران دمساز

است. به عبارت دیگر، کنش اجتماعی اقتصادی، واحد اصلی در جامعه‌شناسی اقتصادی وبر، با کنش اقتصادی که واحد اصلی تحلیل در نظریه اقتصادی است، تفاوت دارد، به این معنی که کنش اجتماعی اقتصادی نه تنها مبتنی بر منافع مادی و هدایت‌شده در جهت منفعت‌گرایی است، بلکه رفتار دیگران را هم منظور می‌کند. وبر با استفاده از این مفهوم کنش اجتماعی اقتصادی به عنوان پایه جامعه‌شناسی اقتصادی خود، یک رشته مفاهیم پیچیده دیگر را در اقتصاد و جامعه ارائه کرد، مفاهیمی چون مناسبات اقتصادی باز و بسته، سازمان‌های اقتصادی، سرمایه‌داری سیاسی و عقلایی و غیره. وبر رویکرد جامعه‌شناختی خود را در رابطه با پدیده‌های اقتصادی و همین‌طور در رابطه بین اقتصاد و دیگر پدیده‌ها، نظیر رفتارهای مذهبی، سیاسی و حقوقی اعمال کرد. برخی جنبه‌های جامعه‌شناسی اقتصادی حاصل از این رویکرد در بیان جامعه‌شناسان به‌خوبی شناخته شده است، اما جامعه‌شناسی اقتصادی وبر عمدتاً یک کل، نه از سوی جامعه‌شناسان و نه از سوی اقتصاددانان، چندان مورد توجه مستمر قرار نگرفته است.

بخش اعظم این کتاب به ارائه و نقد جامعه‌شناسی اقتصادی وبر اختصاص دارد؛ شکل‌گیری تاریخی نظرات او را می‌توان در پیوست یافت. در فصل اول خواننده با نظر وبر در مورد چگونگی شکل‌گیری و تحول اقتصاد در غرب آشنا می‌شود. مبنای کار کتاب تاریخ اقتصادی عمومی^۱ خواهد بود. در فصل دوم، تحلیل جامعه‌شناختی وبر از اقتصاد در کتاب اقتصاد و جامعه بررسی می‌شود. در سه فصل بعدی، به نظر وبر در مورد رابطه اقتصاد با دیگر پدیده‌ها، اجتماعی می‌پردازیم؛ این فصل‌ها بر رابطه بین اقتصاد و سیاست (فصل ۳)، اقتصاد و دین (فصل ۴)، و اقتصاد و مذهب (فصل ۵) تمرکز دارد. در فصل ششم مطالب تکمیلی درباره نگاه وبر به رابطه بین اقتصاد و علم، تکنولوژی، نژاد و چند موضوع دیگر ارائه خواهد شد. فصل آخر هم شامل ارزیابی کتاب مرجع گروندریسه اقتصاد اجتماعی^۲ درباره مبنای اقتصاد است، کار عظیمی که وبر در سال‌های دهه ۱۹۱۰ سرگرم ویرایش آن بود، و نیز مقایسه‌ای بین جامعه‌شناسی اقتصادی وبر و جامعه‌شناسی اقتصادی معاصر. در بحث درباره جامعه‌شناسی اقتصادی وبر بیشتر بر نوشته‌های او طی سال‌های

۲۰-۱۹۱۰، مثل اقتصاد و جامعه، اخلاق اقتصادی ادیان جهان و تاریخ اقتصادی عمومی تکیه کرده‌ام. دلیل این امر آن است که طی سال‌های واپسین زندگیش بود که وبر تصمیم گرفت تلاش خود را بر ارائه نوع جدیدی از تحلیل اقتصادی، که در جایی بین اقتصاد نظری و تاریخ اقتصاد قرار می‌گیرد، متمرکز کند.

پیوست پایان کتاب به تکوین نظریه وبر در مورد اقتصاد در یک مفهوم وسیع (نظریه اقتصادی، جامعه‌شناسی اقتصادی و تاریخ اقتصادی) اختصاص دارد. پیوست همچنین شامل اطلاعاتی در مورد زندگی وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) و بحثی درباره مهم‌ترین آثارش در زمینه اقتصاد است؛ از نوشته‌های اولیه‌اش در دهه ۱۸۹۰ تا اقتصاد و جامعه، که بخشی از گروندریسه اقتصاد اجتماعی بود. نظر اقتصاددانان، مورخان اقتصاد و جامعه‌شناسان نسبت به آثار وبر نیز در پیوست آمده است.

روشن است که وبر یکی از معدود متفکران علوم اجتماعی است که کارهایش را باید جدی گرفت. آنچه او درباره اقتصاد و جامعه‌شناسی می‌گوید هم برای اقتصاددانان و هم برای جامعه‌شناسان جالب است. اما طی سال‌های گذشته توجه چندانی به جامعه‌شناسی اقتصاد و وبر نشده و من امیدوارم که با این کتاب کار وبر در زمینه جامعه‌شناسی اقتصادی سرانجام آن‌ها که شایسته آن است مورد بحث و بررسی قرار گیرد.